

## مروری بر معاهده‌های فراملی سایبری

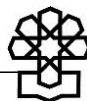
معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی  
دفتر: مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین

کد موضوعی: ۲۸۰  
شماره مسلسل: ۱۵۸۶۵  
خردادماه ۱۳۹۷

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۱	درآمد.....
۵	۱. مفهوم معاهده.....
۶	۲. جایگاه معاهده‌ها.....
۸	۳. گستره معاهده‌ها.....
۱۱	۴. دامنه معاهده‌ها.....
۱۲	۵. موضوع معاهده‌ها.....
۱۷	۶. کارکرد معاهده‌ها.....
۲۱	۷. کنشگران معاهده‌ها.....
۲۳	نتیجه‌گیری و پیشنهاد.....



## مروری بر معاهده‌های فراملی سایبری

### چکیده

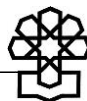
قانون، تأمین‌کننده و تضمین‌کننده نظم و امنیت عمومی، با محدودیت بزرگ قلمرو حاکمیت ملی روبرو است و اساساً در بیرون از این قلمرو، نوبت به نقش آفرینی معاهده‌های فراملی می‌رسد. معاهده‌ها، که بر پایه اصول و قواعد نظام حقوق بین‌الملل وضع می‌شوند، در پی بیشینه‌سازی منافع و کمینه‌سازی تهدیدهای پیش روی دولت‌های متعاهدند. لذا هرچه وابستگی و همبستگی کشورها به یکدیگر بیشتر باشد، نیازشان به این معاهده‌ها جدی‌تر می‌شود. دنیای سایبر، بستر مشترک منافع و تهدیدهای جامعه ملل امروز است و دولت‌ها را وادار کرده تا علی‌رغم افتراق‌ها و اختلاف‌های دنیای فیزیکی، به یکپارچگی روآورند و از این نگاه، معاهده‌های فراملی سایبری نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر کشورها، نیازمند حضور اثربخش‌تر در نظام معاهدات فراملی سایبری است. در غیر این صورت، سخن از برپایی نظم و امنیت برای توسعه پایدار سایبری بی‌معنا خواهد بود.

### درآمد

اعتبار «قانون» در برپایی و پایداری نظم و امنیت عمومی، به پشتیبانی و پشتوانه حاکمیت‌ها بستگی دارد؛ در غیر این صورت، همه بایدها و نبایدهای هنجارین قانونی، جایگاهی فراتر از آموزه‌های اخلاقی نخواهند داشت. حکومت‌ها نیز برای پرهیز از مداخله

در امور یکدیگر و برانگیخته شدن منازعات، شاخصی به نام «قلمرو» را ترسیم کرده‌اند که شامل دو رکن اساسی می‌شود: سرزمین و اتباع. از این دو گزینه نیز اولویت با گزینه نخست است و اگرچه حکومت‌ها می‌توانند در قلمروهای دیگر نیز بر اتباعشان حکم برانند، لکن به اندازه حکمرانی بر قلمرو سرزمینی، ولو بر اتباع خارجی، از وجاهت برخوردار نیست. به این ترتیب، هر آنچه در ستایش قوانین گفته می‌شود، تنها تا پشت دروازه‌های ملی اعتبار دارد و پس از آن، دروازه‌های دیگر که از آن حکومتی دیگرست، گشوده می‌شود که قوانین مختص به خودش را دارد و باید احکام آن پاس داشته شود؛ احکامی که ممکن است در بردارنده هنجارهای کاملاً مغایر و متعارض هنجارهای لازم‌الرعایه کشور همسایه باشد و عملاً مناسبات آنها را مختل کند.

در مقیاسی بزرگ‌تر، همین فرض درباره حکومت‌های واقع در یک منطقه و سرانجام سراسر کره خاکی صدق می‌کند. قانون‌های ملی این مناطق نیز دستاوردی جز سردرگمی و آشوب بیشتر نداشته‌اند. لذا در گام بعدی، حکومت‌ها در پی آن برآمدند تا قانونی را طراحی و تدوین کنند که جلوه‌ای فراقلمروی داشته باشد و بتواند با همسوسازی بیشینه قوانین ملی و حتی هم‌افزایی آنها، نظم و امنیت پایدار همه یا بیشتر حکومت‌ها را تأمین و تضمین کند. لذا هرچه موضوع مورد تفاهم از امکان و توان هماهنگ‌سازی بیشتر کشورهای متعاقد برخوردار باشد، معاهده منعقد شده از اعتبار و قابلیت اجرای بالاتری برخوردار خواهد بود. فضای سایبر، که از پیوند گسست‌ناپذیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی پدید آمده، شاید مناسب‌ترین گزینه برای همگرایی بیشینه کشورها باشد، آن هم در چارچوب هدف غایی برشمرده، یعنی بیشینه‌سازی منافع و کمینه‌سازی تهدیدها زیرا نه تنها باعث پیوستگی و یکپارچگی روزافزون جوامع و اجتماعات - جدای از تابعیت آنها - گشته و همه



را در یک عرصه بزرگ گردهم آورده، بلکه چالشی را پیش روی حکومت‌ها نهاده که به‌سادگی نمی‌توانند بر آن فائق آیند.

واقعیت آن است که فضای سایبر مفهومی به نام «قلمرو حاکمیتی» را تحت‌الشعاع توانمندی‌ها و توانایی‌های خود قرار داده و هرچه در مسیر تکاملی خویش پیش می‌رود، در حال زدودن این ویژگی از شخصیت کشورهاست. آنچه از قلمروها به‌عنوان یک خط مبنا، وجه تمایز یا شاخص افتراق حکومت‌ها از یکدیگر شناخته می‌شود، در دنیای سایبر، دیگر نه کارکردی از آن بجا مانده و نه اثری و بنابراین، شاید بهترین وصفی که می‌توان درباره وضعیت حکومت‌ها بیان کرد، آن است که همگی، البته نه به یک اندازه، فعلاً در بلا تکلیفی به‌سر می‌برند تا شاید راهی برای بازیابی شخصیت از دست رفته‌شان بیابند.

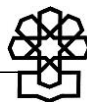
در چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد جایگاه معاهده‌های فراملی ارتقا یافته و نقش پررنگ‌تری را عهده‌دار شده‌اند؛ به این معنا که تا ترسیم و تثبیت دوباره قلمروهای سایبری کشورها، تنها در پی هم‌سوسازی قوانین آنها برای پیشبرد اهداف فراملی‌شان نیستند و نقش قوانین مورد اجماع بین‌المللی را هم ایفا می‌کنند.

به این ترتیب، آن دسته از کشورهایی که از معاهده‌های سایبری دور می‌مانند، نه تنها ملت‌های خود را از تعامل با سایر ملت‌ها در این بستر مشترک سایبری بی‌بهره می‌گردانند، به تدریج بر امور داخلی‌شان نیز یک وضعیت بی‌قانونی حکمفرما می‌شود: از یکسو اثر و کارکردی از قوانین داخلی مرسوم بر امور و افعال کشورشان باقی نمی‌ماند و از دیگر سو، به دلیل نپیوستن به معاهده‌های فراملی سایبری، نمی‌توانند با اتکا و استناد به آنها، دست‌کم در اعمال حاکمیت بر اتباع خویش در این بستر مشترک، با دیگر حکومت‌ها تعامل کنند و عملاً زمام امور آنها را به دول بیگانه می‌سپارند.

شاید سخنان بالا مبالغه‌آمیز به نظر آید. اما واقعیتی است که خوشبختانه در سالیان اخیر بیشتر و جدی‌تر از لسان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ارشد نظام شنیده می‌شود و به‌روشنی دریافت‌اند که کیان حاکمیت ملی در اداره امور سایبری با تهدید جدی روبرو شده است.

با این اوصاف، تا دیرتر نشده، باید به چاره‌جویی برآمد. تجربیات دیگران را دید و با اصول، منافع و مصالح ملی سنجید و مناسب‌ترین راهکارها را برگزید. خوشبختانه، معاهده‌های فراملی، به‌ویژه آنهایی که ماهیت الزامی بیشتری دارند، به‌روشنی و به دور از تعارفات سیاستمداران، از وجوه اشتراک و افتراق حکومت‌ها بر پایه اصول احترام به حاکمیت ملی و پرهیز از مداخله ناروا در امور آنها با هدف همگرایی و هم‌افزایی بیشتر و بیشتر سخن گفته‌اند که می‌توان از آنها الگوهای مطلوبی را استخراج کرد. البته برخی نیز در پی تحمیل دیدگاه‌ها و خواسته‌های یک یا چند کشور مسلط برآمده‌اند که باید برای رویارویی یا ترجیحاً تسهیم فرصت‌ها و منافع با آنها چاره‌اندیشی کرد، در غیر این صورت دستاوردی جز واگذاری گوی و میدان به آنها نخواهد داشت.

بر همین اساس، گزارش پیش رو که نخستین گام برای ورود جدی به عرصه معاهده‌های فراملی سایبری، به‌ویژه از نگاه تقنینی است، در پی امکان‌سنجی و نیازسنجی موضوعات مبنایی و ترسیم معماری و ساختار کلان این حوزه برآمده است. لذا پس از مفهوم‌شناسی کلی معاهده‌های فراملی در بخش نخست، در بخش دوم، جایگاه آنها را در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده است. سپس در بخش سوم گستره معاهده‌ها و در بخش چهارم دامنه آنها تبیین شده است. بخش پنجم به موضوع معاهده‌ها پرداخته و در بخش ششم کارکرد آنها بررسی شده است. بخش هفتم، نقش کشورها را در انعقاد معاهده‌ها ارزیابی کرده و سرانجام، در بخش هشتم، در مقام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری،



کوشش شده ضمن اشاره به اهم کاستی‌ها و نارسایی‌هایی که کشورمان را در بهره‌برداری از این معاهده‌ها ناکام گذاشته، راهکار مطلوب با رویکرد سیاستگذاری تقنینی پیشنهاد گردد.

### ۱. مفهوم معاهده

به‌طور کلی، معاهده‌های فراملی، توافق‌های دوجانبه یا چندجانبه دولت‌هاست که بر پایه اصول مورد اجماع حقوق بین‌الملل میان آنها منعقد می‌شود. به این ترتیب:

- توافق درباره موضوعاتی به عمل می‌آید که کشورهای متعاقد در آنها اهداف مشترک دارند؛ یا درصد کسب منافع و بیشینه‌سازی آنهایند و یا دفع زیان و کمینه‌سازی آنها. لذا همانندی و هماهنگی اهداف، شرط اصلی توافق است.

- معاهده‌ها میان دولت‌ها منعقد می‌شود و نه بخش غیردولتی؛ البته به این معنا نیست که معاهده‌های میان نهادهای غیردولتی وجود یا اعتبار ندارد یا اینکه در انعقاد معاهده‌های دولتی تأثیرگذار نیستند؛ بلکه آنها از اصول، قواعد و ضوابط خاص خود پیروی می‌کنند.

- معاهده‌های میان نهادهای وابسته به دولت‌ها نیز از قواعد معاهدات دولتی پیروی می‌کند. لذا تفاوتی نمی‌کند که رئیس یک دولت آن را بپذیرد یا وزیر یا رئیس یک دستگاه. مهم آن است که به حکومت و حاکمیت وابسته و در چارچوب اختیارات قانونی، از چنین صلاحیتی برخوردار باشد.<sup>۱</sup>

- توافق می‌تواند رأساً میان دو یا چند کشور منعقد شود یا اینکه یک نهاد منطقه‌ای

---

۱. اصل صدویست‌وپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «قراردادها و توافقنامه‌های بین‌المللی» آمده است: «امضای عهدنامه‌ها، مقابله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است».

یا بین‌المللی یا بین‌الدولی، به نمایندگی از آنها تنظیم چنین سندی را به‌عهده گیرد و با پذیرش آن از سوی اعضا و حتی غیراعضا، توافق محقق شود.

- توافق فراملی نمی‌تواند از اصول و موازین حقوق بین‌الملل تخطی کند و در صورت سکوت یا کاستی یا نارسایی آنها، نخست به‌عنوان پیش‌شرط و پیش‌نیاز توافق، درباره آنها اجماع حاصل می‌شود. از جمله اصول بنیادین: عدم توسل به زور یا تهدید، حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، عدم مداخله در امور داخلی، همکاری بین‌المللی، برابری حقوق و تعیین سرنوشت ملت‌ها، برابری حاکمیت دولت‌ها، اجرای صادقانه تعهدات بین‌المللی، تمامیت ارضی کشورها و احترام به حقوق بشر است.

- توافق می‌تواند درباره هر موضوعی به‌عمل آید؛ خرد یا کلان بودن موضوع تأثیری در اعتبار توافق ندارد. البته همانند قوانین داخلی، پیروی توافقات به‌اصطلاح کاربردی از توافقات به‌اصطلاح بنیادی گریزناپذیر است.

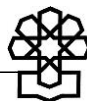
## ۲. جایگاه معاهده‌ها

درباره جایگاه و اعتبار معاهده‌های فراملی در نظام حقوق داخلی کشورها، اجمالاً دو رویکرد حکم‌فرماست:

### ۱-۲. برتری معاهده‌ها

کشورهایی که این رویه را برگزیده‌اند، در صورت انعقاد معاهده، باید قوانین داخلی خود را با آن سازگار کنند. بدیهی است آن دسته از کشورهایی که نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری در مفاد و احکام معاهدات دارند، از این رویه پیروی می‌کنند تا بدین‌وسیله سایر کشورها را البته نه با





معاهدات پذیرفته شده فراملی، بلکه با نظام حقوق داخلی خود همسو و هماهنگ نمایند. هر چند برخی نیز به دلیل عضویت در مجامع منطقه‌ای یا بین‌الدولی به ناچار این رویکرد را پذیرفته‌اند.

## ۲-۲. برابری معاهده‌ها

در اینجا معاهده فراملی با قوانین داخلی برابر است و با آن همانند یک قانون عادی رفتار می‌شود. لذا کشوری که این رویه را برگزیده، تعهدی ندارد که در آینده و با وضع قانون جدید، عملاً همه یا بخش‌هایی از ضوابط و الزامات معاهده را بی‌اعتبار کند.

در همین راستا، اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادهای موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

علاوه بر این، ماده (۹) قانون مدنی نیز مقرر داشته است:

مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است.

به این ترتیب، می‌توان گفت کشور ما در زمره آن دسته از کشورهایی است که معاهده‌های فراملی را در حکم قانون عادی خود دانسته و بنابراین، در تفسیر و تطبیق و اجرای معاهده‌ها، همان قواعد قوانین داخلی حکمفرماست.

### ۳. گستره معاهده‌ها

معاهده‌های فراملی بر پایه شخصیت حقوقی نهاد منعقدکننده معاهده یا اجتماع طرف‌های متعاقد، انواع گوناگونی دارند که بالطبع بر اعتبار و دامنه اجرای ضوابط و مقررات آنها تأثیرگذارند. بر همین اساس، انواع معاهده‌ها عبارتند از:

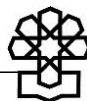
#### ۳-۱. معاهده‌های بین‌المللی

متولی این معاهده‌ها<sup>۱</sup> سازمان ملل متحد است که پس از تدوین و نهایی‌سازی، برای امضای دول عضو رونمایی می‌کند. عموماً یک یا چند کشور عضو، پیش‌نویس معاهده را تدوین و به سازمان ملل پیشنهاد می‌کنند. معاهده‌های منعقد شده از سوی نهادهای وابسته به این سازمان، مانند اتحادیه بین‌المللی مخابرات،<sup>۲</sup> سازمان‌های یونسکو یا یونیسف و همچنین سازمان جهانی مالکیت فکری (واپو) نیز از همین اعتبار برخوردارند.

#### ۳-۲. معاهده‌های بین‌الدولی

متولی این معاهده‌ها،<sup>۳</sup> سازمان‌های تأسیس شده از سوی کشورهای همسو و هم‌پیمان در حوزه‌های تخصصی و اختصاصی هستند و به همین دلیل، تنها برای همان اعضا لازم‌الاجرايند؛ مانند معاهده‌های گروه ۸ یا سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) یا سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) یا سازمان‌های اپک یا اکو.

- 
1. International Treaties
  2. International Telecommunication Union (ITU)
  3. Intergovernmental Treaties



ویژگی این کشورها، همان‌گونه که اشاره شد، لزوماً حضور در یک نقطه جغرافیایی مشترک نیست و ممکن است هریک از اعضا در نقطه‌ای دور از سایر اعضا واقع شده باشند. مهم، پیوند راهبردی منافع است که آنها را به انعقاد چنین معاهده‌هایی برمی‌انگیزاند. نکته مهم درباره معاهده‌های بین‌الدولی آن است که نوعاً بار نوآوری در قاعده‌مندی و ضابطه‌مندی موضوعات نوین به‌عهده آنهاست و عموماً پیش‌تاز انعقاد معاهده‌های تخصصی و اختصاصی ازسوی سایر نهادها و کشورها به‌شمار می‌آیند. لذا نقش تأثیرگذاری در تعیین شرایط و ویژگی‌های ماهوی، شکلی و حتی نهادی سایر معاهدات ایفا می‌کنند.

### ۳-۳. معاهده‌های منطقه‌ای

همان‌گونه که از نام آن پیداست، این معاهده‌ها ازسوی کشورهای واقع در یک منطقه جغرافیایی یا نهاد تأسیس شده ازسوی آنها تدوین و لازم‌الاجرا می‌شود. از مهمترین آنها، معاهده‌های شورا و اتحادیه اروپایی<sup>۱</sup> است. البته نهادهای دیگر، به‌ویژه در منطقه آسیا و اقیانوسیه در حال پیدایش و پیشرفتند که حتی در مواردی به هم‌واردی با نهادهای منطقه‌ای دیگر نیز رسیده‌اند.

تنوع و تکثر در این معاهده‌ها بسیار بیشتر از معاهده‌های بین‌الدولی و بین‌المللی است و متناسب با میزان پیوستگی و وابستگی کشورهای عضو به یکدیگر حتی شامل موضوعات خرد و جزئی هم می‌شود. به‌ویژه آنکه اعضا پذیرفته‌اند که این مصوبات، جایگاهی فراتر از قوانین داخلی‌شان داشته باشند و خود را مکلف به سازگاری احکام خود با آنها می‌دانند.

---

1. Council of Europe/European Union

با این حال، برخی از این معاهده‌ها ماهیت فرامنطقه‌ای یافته‌اند و برای امضای سایر کشورهای غیرعضو نیز گشوده شده‌اند. بالطبع کشورهایی می‌توانند به این معاهده‌ها بپیوندند که با همه کشورهای عضو منطقه پیوند و منافع راهبردی داشته و سایر قواعد و الزامات آنها را نیز پذیرفته باشند.

### ۳-۴. معاهده‌های چندجانبه

این معاهده‌ها<sup>۱</sup> میان دست کم سه کشور دارای منافع یا تهدیدهای مشترک منعقد می‌شود. ممکن است هریک از آنها به نهادهای بین‌الدولی یا منطقه‌ای جداگانه‌ای وابسته باشند، لکن در اینجا با شخصیت حقوقی مستقل خود وارد معاهده می‌شوند. هرچند ممکن است تحت تأثیر معاهده‌های متبوع خود قرار گیرند؛ به‌ویژه در جایی که باید آنها را بر قوانین داخلی‌شان برتری دهند.

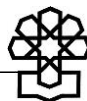
### ۳-۵. معاهده‌های دوجانبه

این معاهده‌ها<sup>۲</sup> که عموماً میان دو کشور یا حتی میان یک کشور با یک نهاد منطقه‌ای منعقد می‌شوند، متداول‌ترین معاهده‌های فراملی به‌شمار می‌آیند. هرچند این واقعیت را هم نباید نادیده انگاشت که با چیرگی روزافزون معاهده‌های بین‌المللی، بین‌الدولی، منطقه‌ای و حتی چندجانبه، اراده دو کشور متعاقد، خودبه‌خود تحت‌الشعاع اراده‌های فراملی قرار گرفته و شاید بهتر آن باشد که آنها را معاهده‌های تابع یا تالی انگاریم.

---

1. Multilateral Treaties

2. Bilateral Treaties



با این حال، این معاهده‌ها، در موضوعات اختصاصی یا تخصصی، به‌ویژه با ماهیت نهادی، همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند که از آن جمله می‌توان به موضوعات حقوقی - قضایی - امنیتی (ضابطیت دادگستری) به‌ویژه در بخش کیفری اشاره کرد.

#### ۴. دامنه معاهده‌ها

با توجه به عنوان گزارش، منظور از دامنه معاهده، قابلیت اجرای آن در دنیای خاکی یا سایبری یا هر دو آنهاست. بر این اساس، می‌توان معاهده‌ها را به سه دسته تقسیم کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. معاهده‌های فیزیکی

معاهده‌هایی که مفاد و احکام آنها به موضوعات و سوژه‌های دنیای خاکی اختصاص دارد، مانند معاهده‌های مربوط به سرحدات مرزی یا دریایی. البته همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، در شرایط کنونی، کمتر معاهده‌ای را می‌توان یافت که حتی کارکردهای شکلی آن همچنان فیزیکی باقی مانده باشد.

#### ۴-۲. معاهده‌های سایبری

معاهده‌هایی که درباره زیرساخت‌ها، کارکردها، کاربردها، اجزا یا عناصر فضای سایبری است و احکام آنها برای این فضا و اقتضانات آن وضع شده‌اند.

---

۱. بدیهی است تنها معاهده‌های مشمول زیرفصل‌های دوم و سوم، در مباحث این گزارش می‌گنجد.

#### ۳-۴. معاهده‌های مشترک

این معاهده‌ها به دلیل عمومیت یا اطلاق مفاد و احکام آنها یا اشاره صریح به لزوم یا قابلیت اجرا در هر دو بستر فیزیکی و سایبری، بر هر دو این عرصه‌ها حکومت دارند. برای نمونه، معاهده‌های راجع به موضوعات امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و مانند آن، از چنین ویژگی برخوردارند. برای نمونه، معاهده‌های راجع به مبارزه با فساد یا پولشویی یا جرائم سازمان‌یافته، در این رسته جای می‌گیرند. هرچند به هنگام مرور ضوابط و الزامات عمدتاً شکلی آنها، ملاحظه می‌شود که میان دو گستره فیزیکی و سایبری، تفکیک و تمایز لازم به عمل آمده و اعضا موظفند تمهیدات متناسب را اتخاذ کنند.

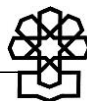
#### ۵. موضوع معاهده‌ها

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، خرد یا کلان بودن موضوع، نوعاً تأثیری در اعتبار معاهده‌ها ندارد. لکن رده‌بندی آنها، به‌ویژه با هدف شناسایی پیوندهای آنها با یکدیگر و همچنین با قوانین داخلی می‌تواند راهگشا باشد.

به‌طور کلی، معاهده‌ها را می‌توان بر پایه موضوع آنها در گروه‌های ذیل جانمایی کرد.

#### ۵-۱. معاهده‌های امنیتی - دفاعی

با اینکه هنوز در حوزه امنیتی - دفاعی سایبری معاهده مشخصی از سوی نهادهای بین‌المللی، بین‌الدولی یا منطقه‌ای منعقد نشده است، لکن این کشورها، به‌ویژه در سطح بین‌الدولی و منطقه‌ای، بر پایه صلاحیت‌ها و اختیارات عمومی خود، درباره مسائل امنیتی - دفاعی سایبری، معاضدت و



همکاری را آغاز کرده و توسعه و ارتقا داده‌اند. از جمله نهادهایی که بر پایه کارویژه اصلی خود برای توانمندسازی اعضا در بخش سایبری تدابیر ویژه‌ای را اتخاذ کرده، سازمان ناتو است.

با این حال، در سطوح دو یا چندجانبه، انعقاد این گونه معاهده‌ها با استقبال بیشتری روبرو بوده و کشورهای هم‌پیمان زودتر به تفاهم رسیده‌اند. برای نمونه، آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین روسیه و چین برای پیشبرد اهداف امنیتی - دفاعی سایبری خود پیمان‌های دوجانبه‌ای را منعقد کرده‌اند.

از نگاه داخلی، موافقتنامه‌های دوجانبه همکاری امنیتی که از دهه ۱۳۸۰ میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای از قبیل ایتالیا، قطر، کویت و افغانستان منعقد شده، یکی از محورهای آن، رویارویی با تهدیدهای مجرمانه رایانه‌ای برشمرده شده است.

#### ۲-۵. معاهده‌های سیاسی - کنسولی

شاید سخن از این معاهده‌ها، آن هم برای گستره سایبری زود باشد. لکن در آینده نزدیک بخش مهمی از توافقات سیاسی - کنسولی کشورها به سامان‌بخشی این موضوع اختصاص خواهد یافت. راه‌اندازی سفارتخانه‌های مجازی از سوی برخی کشورها حکایت از آن دارد که این عرصه، بسیار بنیادی‌تر از حد انتظار دگرگون خواهد شد که به این ترتیب، نقش معاهده‌های فراملی در تنظیم تشریفات و مناسبات الکترونیکی سیاسی - کنسولی، تعیین‌کننده خواهد بود.

#### ۳-۵. معاهده‌های اقتصادی - بازرگانی

این بخش نسبت به سایر بخش‌ها بیشتر مورد توجه کشورها بوده و به همین دلیل، در

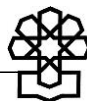
سطوح مختلف فراملی، معاهده‌های تخصصی و اختصاصی گوناگونی منعقد شده و این روند، با شتاب بیشتری پیش می‌رود. برای نمونه، در سال ۱۹۹۶، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به موجب قطعنامه شماره ۵۱/۱۶۲، قانون نمونه آنسیترال درباره تجارت الکترونیکی را تأیید کرد. همچنین، قانون نمونه آنسیترال درباره امضای الکترونیکی، در سال ۲۰۰۱ به موجب قطعنامه شماره ۵۶/۸۰ از سوی این مجمع تأیید شد و کنوانسیون ملل متحد درباره به‌کارگیری ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی نیز پیرو قطعنامه A/60/21 به تصویب مجمع عمومی رسید. سازمان جهانی مالکیت فکری نیز به‌عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد، اسنادی را درخصوص حق امتیاز آثار ادبی و هنری و همچنین نشان‌های تجاری دیجیتالی منتشر کرده است.

در شورا و پارلمان اروپا نیز مصوبات یا به عبارتی معاهده‌های لازم‌الاجرای قابل توجهی به اعضا ابلاغ شده که اهم آنها عبارتند از: دستورالعمل 2000/31/EC درباره «تجارت الکترونیک» و دستورالعمل شماره 2002/65/EC درباره بازاریابی از راه دور ارائه‌دهندگان خدمات مالی به مصرف‌کنندگان.

#### ۴-۵. معاهده‌های فرهنگی - اجتماعی

در این بخش نیز می‌توان معاهده‌های گوناگونی را یافت که بیشتر آنها درباره صیانت از حریم و داده‌های شخصی و حمایت از آزادی اطلاعات در بستر مبادلات الکترونیکی هستند. برای نمونه، در سال ۱۹۶۸ قطعنامه شماره ۵۰/۲۴ در مجمع عمومی سازمان ملل درباره تأثیر فناوری و دانش نوین بر حق حریم خصوصی به تصویب رسید. همچنین قطعنامه شماره ۱۳۲/۴۶ با موضوع رهنمودهایی برای تنظیم فایل‌های رایانه‌ای مربوط به





داده‌های شخصی در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید.

در شورا، پارلمان و اتحادیه اروپا، دستورالعمل‌های فراوانی درباره موضوعات فرهنگی - اجتماعی سایبری به تصویب رسیده که اهم آنها عبارتند از: دستورالعمل شماره 2002/58/EC شورا و پارلمان اروپا در خصوص حریم خصوصی و ارتباطات الکترونیک و دستورالعمل 2006/24/EC درباره حفظ اطلاعات تبادل با خدمات ارتباطی الکترونیکی. علاوه بر این، مجامع مزبور تمهیدات لازم‌الاتباعی را درباره سالم‌سازی فرهنگی سایبری در دستور کار قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به تصمیم شماره 854/2005/EC پارلمان اروپایی درباره برنامه‌ریزی ایمن‌تر کاربری اینترنت و سایر فناوری‌های نوین اشاره کرد.

## ۵-۵. معاهده‌های پژوهشی - فناوری

این‌گونه معاهده‌ها با رویکردهای گوناگونی منعقد می‌شوند که از آن جمله توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در کشورهای کمتر برخوردار یا کمتر توسعه‌یافته است تا شکاف دیجیتالی میان آنها و کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته کمتر شود. به همین منظور، اجلاس جهانی جامعه اطلاعات (WSIS) که از حمایت سازمان ملل متحد برخوردار است، هر ساله به میزبانی اتحادیه مخابرات بین‌الملل برگزار می‌شود. این اجلاس در پی شناسایی نیازمندی‌های واقعی کشورها به فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در بخش‌های مختلف و امکان‌سنجی راهکارهای کمک به آنها، به‌ویژه از سوی کشورهای توسعه‌یافته است. لذا محفل مناسبی برای شکل‌گیری مناسبات و انعقاد معاهده‌های دو یا چندجانبه فراهم آمده است.

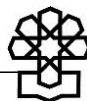
### ۵-۶. معاهده‌های حقوقی - قضایی

در این بخش، معاهده‌های کیفری نسبتاً مطلوبی در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و بین‌الدولی به تصویب رسیده و راه را برای توسعه مناسبات دو یا چندجانبه هموار کرده است. به‌ویژه آنکه در این بخش، حیثیت کشورها برجسته‌تر است و حکومت‌ها به‌طور جدی‌تر موضوعات و مسائل آن را دنبال می‌کنند.

از مهمترین معاهده‌های فراملی مطرح در سطح جهانی، کنوانسیون جرائم سایبری شورا و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱ است که با اینکه ماهیت منطقه‌ای دارد، لکن کشورهای غیراروپایی نیز به آن پیوسته‌اند و به آن ماهیت فرامنطقه‌ای بخشیده‌اند.

### ۵-۷. معاهده‌های بین‌بخشی

هریک از این موضوعات برشمرده در بالا می‌تواند در گستره فیزیکی یا سایبری تعریف و تبیین شود. ضمن اینکه این موضوعات، چه از لحاظ تخصصی و چه اختصاصی، ماهیت انحصاری ندارند و نوعاً وضعیت بین‌بخشی دارند؛ مثلاً ممکن است از اجتماع موضوعات اقتصادی - بازرگانی با موضوعات حقوقی - قضایی، معاهده‌ای به نام کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد پدید آید. یا اینکه تعاملات بخش امنیتی - دفاعی با بخش اقتصادی - بازرگانی در گستره سایبری، به معاهده الزام به‌کارگیری امضای دیجیتال در تجارت الکترونیک بینجامد.



## ۶. کارکرد معاهده‌ها

کارکرد معاهده‌ها، مبنای مهم دیگر تقسیم‌بندی آنهاست. پس از شناسایی گستره، دامنه و موضوع معاهده‌ها، باید دید چه کارکردی دارند و کدام هدف را دنبال می‌کنند؟ لذا می‌توان گفت که بخش اصلی معاهده‌ها را کارکرد آنها تشکیل می‌دهد و عناوین پیشین، بیشتر هویت، حیثیت و ماهیت معاهده‌ها را تبیین می‌کنند و مفاد کارکردی در این چارچوب تنظیم و تدوین می‌شوند.

به‌طور کلی، کارکرد معاهده‌های فراملی یا به بیان بهتر، خود آنها را می‌توان در سه گروه جانمایی کرد: ماهوی، شکلی و نهادی. یادآور می‌شود هر یک از این موضوعات یا همگی آنها می‌تواند در یک یا چند معاهده مستقل هم‌تراز یا ناهم‌تراز بازتاب یابند.

### ۶-۱. کارکرد ماهوی<sup>۱</sup>

معاهده‌هایی که برای تنظیم امور ماهوی کشورهای متعاقد منعقد می‌شوند، در پی بنیانگذاری حق‌ها یا تکلیف‌هایی هستند که یا اساساً در قوانین داخلی پیش‌بینی نشده‌اند یا اینکه با یکدیگر تعارض جدی دارند و مانع تعامل کشورها می‌شوند.

از بارزترین حق‌هایی که مبنا و موضوع شکل‌گیری معاهده‌های بین‌المللی، بین‌الدولی و منطقه‌ای بسیاری قرار گرفته‌اند، حق نشر<sup>۲</sup> و همچنین حق بر حریم خصوصی<sup>۳</sup> یا حمایت

---

1. Substantive Issues

2. Copy Right

3. Right to Privacy

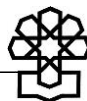
از داده‌ها<sup>۱</sup> است. این موضوعات، هم در سطوح بنیادی و هم کاربردی، معاهده‌های بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند؛ بنیادی به این معنا که معاهده‌ها در پی بنیانگذاری آنها به‌عنوان یک حق هستند و کاربردی به این معنا که درباره مصادیق (به‌ویژه پدیده‌های نوآورانه) مورد ابهام یا اختلاف، در معاهده‌های جداگانه شفاف‌سازی به‌عمل می‌آید؛ مانند رسمیت‌بخشی به حق نشر و جنبه‌های مادی و معنوی آن در گام نخست به‌عنوان موضوع بنیادی و سپس شناسایی کاربردی انواع آثار ادبی، هنری و صنعتی چه فیزیکی و چه دیجیتالی در موضوعات مورد ابهام یا اختلاف در گام‌های بعدی.

معمولاً سنگ‌بنای این‌چنین معاهده‌هایی در سطح بین‌المللی گذاشته می‌شود تا از همان آغاز، اجماع همه یا بیشتر کشورها، چه به اختیار یا چه به اجبار، برای بنیان نهادن حق یا تکلیف موردنظر به‌دست آید و زمینه‌های نقض فراملی آنها به حداقل برسد. گرچه این سخن به معنای نادیده گرفتن معاهده‌های بین‌الدولی و منطقه‌ای نیست و به‌ویژه در بخش کاربردی کردن حق‌ها و تکلیف‌ها، تأثیر بسزایی دارند.

## ۶-۲. کارکرد شکلی<sup>۲</sup>

پس از رسمیت‌بخشی به حق‌ها و تکلیف‌های بنیادی و کاربردی در عرصه فراملی، نوبت به چگونگی استیفا و ایفای آنها می‌رسد. ممکن است کشورهای مختلف، سازوکارها، فرآیندها، رویه‌ها و روندهای متفاوتی داشته باشند که به‌دلیل ناسازگاری با یکدیگر، اساس حق یا تکلیف موردنظر را متزلزل یا مخدوش سازند. لذا برای تثبیت و تضمین حسن

- 
1. Data Protection
  2. Procedural Issues



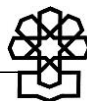
اجرای معاهده‌های ماهوی، معاهده‌های شکلی نیز در دستور کار کشورهای ذی‌نفع و پیرو آن نهادهای متولی امور فراملی آنها قرار می‌گیرد.

از مصادیقی که در چارچوب موضوع گزارش می‌توان برشمرد، تکالیف ارائه‌دهندگان خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات فراملی در زمینه رعایت حق نشر و همچنین صیانت از حریم خصوصی و حمایت از داده‌های مشترکان و کاربران آنهاست. این مسئله با گسترش چشمگیر خدمات رایانش ابری<sup>۱</sup> که مبنا، ماهیت و کارکرد فراملی دارند، به‌طور جدی‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این بنگاه‌ها، به‌دلیل در اختیار داشتن فرصت و همچنین فناوری مورد نیاز برای تعرض به این حق‌ها و همچنین برخورداری از انگیزه لازم برای ارتکاب این‌گونه سوءاستفاده‌ها یا تسهیل آن برای سایر هنجارشکنان، چنانچه به‌درستی با تکالیف خود و همچنین حقوق ذی‌نفعانشان آشنا نشوند، خواسته یا ناخواسته زیان‌های جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورند.

جز در مواردی که هدف پیشنهاددهندگان معاهده، یکپارچه‌سازی بین‌المللی امور شکلی در موضوع موردنظر است (و البته در همین موارد نیز نوعاً به کلیات بسنده می‌شود)، عموماً این مهم به معاهده‌های منطقه‌ای، بین‌الدولی، چندجانبه و حتی دوجانبه واگذار می‌شود؛ زیرا هم می‌توانند به جزئیات و احکام تفصیلی بیشتری بپردازند و هم به‌دلیل همسویی و هماهنگی بیشتر چارچوب شکلی و بعضاً نهادی کشورهای متعاقد، زودتر به سرانجام می‌رسند و امید بیشتری به حسن اجرای آنها وجود دارد.

### ۳-۶. کارکرد نهادی<sup>۱</sup>

این معاهده‌ها با هدف رسمیت‌بخشی به نهادهای صلاحیت‌دار و در عین حال مسئول ذی‌ربط در کشورهای متعاقد برای هماهنگی و هم‌افزایی امور ماهوی و شکلی موردنظر منعقد می‌شوند. وظیفه اصلی این نهادها به‌عنوان یک پل ارتباطی، تعامل سازنده با نهادهای هم‌تراز خود در کشورهای متعاقد از یکسو و انعکاس و ابلاغ درست و بهنگام مصوبات و تصمیمات فراملی برآمده از معاهده به نهادهای صلاحیت‌دار ذی‌ربط ملی است. به‌نظر می‌رسد شناسایی چنین نهادی که بتواند این مسئولیت را به‌طور کارآمد و اثربخش عهده‌دار شود، همیشه کار آسانی نیست؛ به‌ویژه آنکه ضروری است شرط همگونی و همانندی با نهادهای هم‌تراز طرف‌های متعاقد نیز رعایت شود. برای نمونه، در جایی که موضوع معاهده، مبارزه با جرائم مالی الکترونیکی است، به‌دلیل ماهیت کیفی آن، حسب مورد قوه قضائیه و وزارت دادگستری، به‌دلیل درگیر بودن زیرساخت و کاربردهای ارتباطی و فناوری اطلاعات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، به‌دلیل ماهیت اقتصادی و بازرگانی کارکردها، حسب مورد وزارتین اقتصاد و دارایی و صنعت، معدن و تجارت و به‌دلیل جنبه‌های امنیتی و ضابطیتی آن، وزارت اطلاعات و سایر نهادهای ذیربط مانند وزارت کشور (نیروی انتظامی) از صلاحیت لازم برخوردارند. ضمن اینکه وزارت امور خارجه نیز پای ثابت همه مناسبات فراملی به‌شمار می‌آید. حال کدام نهاد به‌عنوان نماینده رسمی جمهوری اسلامی ایران در انعقاد یا امضای این معاهده شرکت کند و متولی امور آن گردد؟ علاوه بر این، انجام امور دبیرخانه‌ای معاهده‌های چندجانبه نیز مسائل خاص خود را



دارد. در جایی که سازمان یا نهاد رأساً متولی تدوین پیش‌نویس و پیشنهاد معاهده به اعضا می‌شود (مانند سازمان ملل متحد)، بالطبع خودش هم امور دبیرخانه‌ای آن را عهده‌دار می‌شود. لکن در جایی که هنوز چنین نهاد یا سازمانی تأسیس نشده و معاهده ماهیت چندجانبه دارد، یکی از اعضا که معمولاً توانمندترین آنها در موضوع موردنظر است، چنین مسئولیتی را عهده‌دار می‌شود که البته برای آن امتیازاتی را نیز به همراه دارد و نهاد ملی موردنظر در تعامل با نهادهای هم‌تراز خود جایگاه برتر را خواهد داشت.

## ۷. کنشگران معاهده‌ها

حتی در جایی که یک سازمان یا نهاد با شخصیت حقوقی مستقل برای پایه‌ریزی، پیگیری و پیشبرد معاهده‌ها و اهداف آنها بنیان نهاده شده است، باز هم بار اصلی به‌عهده کشورهای متعاقد است و آنها هستند که با پیشنهادهای به‌نگام خود، نقش سازنده‌ای را در توسعه و ارتقای حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در عرصه‌های نوینی چون حقوق سایبری ایفا می‌کنند. از نگاه نوع و میزان نقش‌آفرینی کشورها در معاهده‌های فراملی، به‌طور کلی کشورها را می‌توان در سه گروه جای داد: بنیانگذاران، امضاکنندگان و ملحق‌شوندگان.

### ۷-۱. بنیانگذاران

این گروه از کشورها، مسئولیت تشکیل گروه کارشناسی و خبرگی پژوهش بنیادی، نظری و کاربردی، تدوین پیش‌نویس معاهده و گزارش توجیهی آن، مذاکره با کشورهای مستعد و متمایل به همکاری (به‌ویژه درباره معاهده‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و بین‌الدولی) جهت

همراهی و دفاع از آن نزد مجامع ذی‌ربط را به‌عهده می‌گیرند. بدیهی است به‌دلیل تسلط بالای این کشورها بر جنبه‌های مختلف معاهده مصوب، خودبه‌خود مسئولیت پشتیبانی و پیشنهاد اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های احتمالی را نیز به‌عهده خواهند داشت.

### ۲-۷. امضاکنندگان

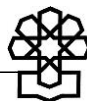
این گروه اگرچه نقش بنیانگذارانه‌ای در معاهده ایفا نکرده‌اند، لکن سهم تعیین‌کننده‌ای در اعتباربخشی و رسمیت یافتن آن دارند. دلیل آن هم این است که یک معاهده بین‌المللی یا منطقه‌ای یا بین‌الدولی، به‌صرف تأیید پیشنهاددهندگان که معدود کشورهایی را شامل می‌شود، رسمیت نمی‌یابد و باید شمار دیگری از اعضا نیز به آن بپیوندند تا نصاب مقرر رعایت شود که در اینجا نقش امضاکنندگان معاهده، برجسته و نمایان می‌گردد و نپیوستن آنها به ناکامی پیشنهاددهندگان می‌انجامد.

بدیهی است میزان تأثیرگذاری این گروه به اندازه بنیانگذاران و پیشنهاددهندگان معاهده نیست و تحت شرایط خاصی می‌توانند دیدگاه‌های خود را در معاهده اعمال کنند. لذا چنانچه امضاکنندگان بتوانند پیش از رونمایی از سند ورود نمایند، از ابتکار عمل بیشتری برخوردار خواهند بود.

### ۳-۷. ملحق‌شوندگان

پس از رسیدن نصاب و رسمیت یافتن معاهده‌های بین‌المللی و در مواردی معاهده‌های منطقه‌ای و بین‌الدولی، زمینه الحاق برای کشورهای دیگر نیز فراهم می‌شود. حضور این کشورها تأثیری در اعتبار معاهده ندارد. لکن افزایش شمار آنها بر میزان اعتمادپذیری





معاهده، به‌ویژه در جامعه بین‌الملل تأثیرگذار است و می‌تواند نهادینه شدن هنجارهای فراملی را تسهیل و تسریع کند.

میزان نقش‌آفرینی این گروه از امضاکنندگان معاهده نیز کمتر است و گزافه نیست گفته شود که در برابر عمل انجام شده قرار دارند. لکن به این معنا نیست که ناچارند همه احکام آن را بی‌چون و چرا بپذیرند و در شرایطی می‌توانند از حق شرط<sup>۱</sup> بهره‌مند شوند. البته بنیانگذاران و امضاکنندگان معاهده نیز از این حق برخوردارند و چنانچه همه یا بخشی از خواسته آنها به هر دلیل رعایت نشده باشد، از همان حق شرط برخوردارند. با این حال، حق شرط کلی نیست و باید مشخص و منجز باشد و نمی‌تواند اساس و کلیات معاهده را زیر سؤال ببرد. در غیر این صورت، پذیرفته نیست و حتی ممکن است به لغو درخواست عضویت در معاهده نیز بینجامد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همانند سایر کشورها، ایران کشوری است که برای پیشبرد امور خود، به‌طور روزافزونی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی وابسته‌تر و همین امر موجب می‌شود که مناسبات فراملی آن نیز پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر از گذشته شود. لذا طبیعی است که نیازمند بازنگری و بازآفرینی نظام حقوق بین‌المللی خود از نگاه سایبری باشد و برای معاهده‌های فراملی کنونی و پیش رو برنامه‌ریزی متفاوتی را در دستور کار قرار دهد. در این راه، اهم نکاتی که ضروری است مورد توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران این

حوزه قرار گیرد، عبارتند از:

- جمهوری اسلامی ایران عضو نهادهای بین‌المللی، بین‌الدولی و منطقه‌ای گوناگونی است و در حال پیوستن به نهادهای دیگر نیز هست. لکن جز معدود مواردی که به سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن مربوط می‌شود، سایر نهادهای متبوع کشورمان، هنوز تجربه معاهده‌های سایبری، ولو در حد ارشادی را هم ندارند. سازمان جنبش عدم تعهد، سازمان همکاری اسلامی و سازمان اکو از جمله این نهادها هستند.

- جمهوری اسلامی ایران تاکنون نقش تأثیرگذاری در تدوین و تنظیم معاهده‌های فراملی سایبری نداشته و عموماً رویکرد منفعلانه‌ای داشته است. همین امر موجب شده که در مجامع تصمیم‌ساز ذی‌ربط صاحب کرسی نباشد.

- در خصوص معاهده‌های دو یا چندجانبه با کشورهای دوست و هم‌پیمان، جدای از آنکه هنوز معاهده اختصاصی سایبری منعقد نشده، در همان معاهده‌های مشترک نیز حداکثر به کلیات بسنده شده و ضوابط نوعاً شکلی و نهادی آنها عملیاتی و اجرایی نشده است.

- از لحاظ میزان توسعه‌یافتگی در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، کشورمان به‌عنوان واردکننده و نه پدیدآورنده یا ارتقادهنده آنها شناخته می‌شود و هیچ‌یک از زیرساخت‌های کلیدی فراملی را هم در اختیار ندارد. لذا ممکن است پیشنهادهای آن با واکنش کشورهای صاحب این فناوری یا تحمیل شرایط متقابل روبرو شود.

- از لحاظ میزان آمادگی در بهره‌برداری از کاربردهای گوناگون ارتباطی و فناوری اطلاعات و توسعه و ارتقای خدمات مبتنی بر آن، این واقعیت را هم باید پذیرفت که جمهوری اسلامی ایران در عرصه فراملی رتبه و جایگاه مطلوبی ندارد و بنابراین، ممکن است پیشنهادهای آن به‌عنوان رهیافت‌های برتر، به‌ویژه از سوی کشورهای پیشرو مورد توجه قرار نگیرد.



- رویکرد خصمانه و اعمال تحریم‌های ظالمانه، آن هم از سوی کشورهای دارنده و پیشرو این فناوری، در کنار پیروی و انفعال بسیاری از دیگر کشورها، می‌تواند بر پذیرش پیشنهادهای احتمالی کشورمان تأثیر بگذارد.

با این حال، همه تهدیدها و ناتوانی‌های برشمرده در بالا، نباید و نمی‌تواند مانع بهره‌مندی و بهره‌برداری کشورمان از فرصت‌ها و توانمندی‌های خود برای نقش‌آفرینی در عرصه فراملی سایبری شود؛ حتی در همین شرایط نیز راهکارها و گزینه‌هایی هستند که با برنامه‌ریزی درست، ضمن توانمندسازی نظام حقوقی و اجرایی فراملی سایبری، گام مهمی برای استیفای شایسته حقوق و ایفای سازنده تعهدات کشورمان در عرصه جهانی سایبری برداشته می‌شود:

- صرف عضویت در نهادهای فراملی، فرصت مشارکت فعال را به یکایک اعضا می‌دهد و آنها می‌توانند با همراه کردن دیگر اعضا، به‌ویژه آنهایی که از شرایط مشابهی برخوردارند (و کم‌شمار هم نیستند)، برای پیشبرد گام‌به‌گام اهداف ملی در پرتو معاهده‌های فراملی سایبری مورد انتظارشان گام بردارند. کشورمان از این قاعده مستثنا نیست و اتفاقاً از شرایط مطلوبی برای همراه کردن کشورهای همسو برخوردار است.

- جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل برخورداری از ضریب نفوذ بالای کاربری خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات، جمعیت فراوان دانش‌آموخته و تجربه حضور بلندمدت در نهادهای مختلف فراملی، از فرصت و توانایی خوبی برای همراه‌سازی مجامع و اجتماعات فراملی و تأثیرگذاری بر نظام‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر برخوردار است.

- با اینکه بخشی از توسعه‌نیافتگی کشورمان به موقعیت منطقه‌ای آن بازمی‌گردد و همسایگانمان عموماً در جایگاه مناسبی (به‌ویژه از لحاظ این فناوری) قرار ندارند، اما همین وضعیت یک فرصت برای آزمودن پیشنهادهای سایبری فراملی از راه انعقاد معاهده‌های

دوجانبه یا چندجانبه به‌شمار می‌آید. به‌ویژه آنکه در بسیاری موضوعات، اتباع ایرانی مرادات بالایی با اتباع همسایگان دارند و می‌توان برای تسهیل و تسریع امور آنان، راهکارهای سایبری کارآمدی را پیشنهاد، برنامه‌ریزی و اجرا کرد.

- با اینکه کشورمان همانند بسیاری از کشورها نقطه یا نقاط کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در بخش‌های زیرساختی فضای سایبری بین‌المللی در اختیار ندارد، لکن همچنان موضوعات بسیاری در بخش کاربردها و کاربری‌های فراملی سایبری بلا تکلیف مانده‌اند که اتفاقاً بسیاری از کشورها، حتی دارندگان همان نقاط کلیدی، با چالش‌های گوناگون آنها روبرو هستند و ای‌بسا شکل‌گیری یک اجماع فراملی بتواند دارندگان زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات و گرداندگان حکومتی آنها را به پذیرش الزامات، تعهدات و مسئولیت‌های اثربخش وادارد؛ به‌ویژه آنکه دریابند خودشان نیز ذی‌نفع دستاوردهای معاهدات منعقد شده می‌باشند. برای نمونه، پدیده خدمات فراشبکه‌ای (OTT) که پیام‌رسان‌های اجتماعی از بارزترین کاربردهای آنها هستند و همچنین، روندهای پولی - اعتباری و پرداخت الکترونیکی فراملی، از مهمترین چالش‌های بدون پاسخ کنونی هستند که می‌توانند در کوتاه‌ترین زمان، بیشترین همراهان را برای توافق فراملی گردهم آورند.

- درخصوص معاهده‌های دارای گستره مشترک فیزیکی - سایبری که به‌ویژه جایگاه بین‌المللی دارند و جمهوری اسلامی ایران نیز آنها را پذیرفته است، می‌توان از اعتبار آنها و الزامات و تعهدات بالفعل اعضا برای اجرایی کردن بخش‌های سایبری و ارائه پیشنهادهای اصلاحی - الحاقی بهره‌برداری کرد.

به‌این ترتیب و با عنایت به اینکه حضور در مجامع فراملی از حساسیت بالایی برخوردار است و باید با احتیاط فراوان پا به میدان مذاکرات نهاد تا بیشترین امتیازها را در ازای



کمترین تعهدات برای کشورمان به دست آورد، ضروری است تمهیدات و تدابیر ذیل در دستور کار قرار گیرد:

- معماری کلان معاهدات فراملی سایبری ترسیم و مبانی آن تعریف شود. هدف اصلی این گزارش، تبیین اجمالی شاخص‌های کلیدی این معماری بوده است. لذا کمتر به نمونه‌های مرتبط و مبتلا به اشاره و پژوهش و پیمایش آنها به مجال دیگری واگذار شده است. چالش اصلی کشور ما نداشتن نقشه جامع و گزینش‌های جسته‌گریخته و سلیقه‌ای معاهده‌ها از سوی نهادهای گوناگون و مبهم بودن رویکرد کشورمان در رویارویی با آنهاست که نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه به امتیازدهی و پذیرش تعهدات بیشتر انجامیده و از ابتکار عمل لازم نیز برخوردار نیست. در صورت ترسیم و تثبیت این معماری، کاستی‌ها و تهدیدها در کنار توانمندی‌ها و فرصت‌های پیش رویمان نسبت به هریک از این شاخص‌ها و همچنین در سطح کلان و راهبردی، به خوبی نمایان می‌شود.

- اولویت‌های تعامل فراملی بر پایه هریک از شاخص‌های کلیدی معماری شناسایی شود. شاید همزمان نتوان درباره دو موضوع مربوط به دو بخش مختلف، آن هم در دو سطح متفاوت رایزنی و تعامل کرد و ضرورت ایجاب کند که نخست یکی از آنها به سرانجام رسیده و سپس بر پایه دستاوردهای آن، برای دیگری برنامه‌ریزی شود. هرچند این سخن به معنای معطل نگه داشتن گزینه‌های مستقل نیست و در صورت فراهم بودن شرایط، ممکن است فعال‌سازی همزمان چند جبهه به کسب منافع و تحقق اهداف بیشتر بینجامد.

- پیش‌نیازها و نیازمندی‌های داخلی، در بخش‌های مختلف تقنینی و اجرایی، متناسب با دستور کار فراملی موردنظر فراهم شود و هیچ‌گونه کاستی و نارسایی، به‌ویژه از لحاظ قانونی و با کارکردهای ماهوی و نهادی باقی نماند.

- با عنایت به تنوع و تکثر معاهده‌های فراملی سایبری، وظایف و اختیارات نهادهای حاکمیتی ذی‌ربط تعیین شود. ضمن اینکه برای هماهنگی تمهیدات آنها با یکدیگر، نهادی مانند مرکز ملی فضای مجازی عهده‌دار رصد امور و اقدامات آنها شود.
- از توانمندی بخش غیردولتی و جامعه کاربران ایرانی برای تأثیرگذاری مثبت بر روند مذاکرات بهره‌برداری شود و پیشاپیش برنامه‌ریزی لازم برای همراهی سازنده آنها به عمل آید.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۸۶۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مروری بر معاهده‌های فراملی سایبری

نام دفتر: مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین (گروه فناوری اطلاعات و ارتباطات)

تهیه و تدوین کنندگان: مهدی فقیهی، امیرحسین جلالی فراهانی

ناظر علمی: حسین افشین

متقاضی: معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. فضای سایبری

۲. حکمرانی فراملی

۳. معاهده‌های سایبری فراملی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۳/۲